



گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «رختشور شاه» آنچه بر رعیت می‌گذرد از دریچه نمایش ایرانی

نمایش «رختشور شاه» به نویسندگی بابک خواجه پاشا که مورد بازنویسی فرهاد نقدعلی و علی بداللهی قرار گرفته با کارگردانی علی بداللهی، دور دوم اجراهای خود را با بازیگرانی متفاوت در سالن نوفل لوشاتو آغاز کرده است. این نمایش که مجلسی زنانه بر پایه نمایش تخت حوضی است به داستان ازدواج اجباری احمدشاه قاجار و تلاش برای گریزش از این داستان با نگاهی طنز می‌پردازد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

علی بداللهی، کارگردان:

همچنان در حال گذار به دنیای مدرنیته هستیم

چه تغییراتی در دور جدید اجراها اعمال شده است؟

دور اول اجرای این نمایش سال ۱۴۰۰ و در تالار محراب بود. در فرم اجرایی تغییرات عمده‌ای انجام شده، در اجرای قبلی تلفیقی از مجلس زنانه و سیاه بازی داشتیم که استاد جواد انصافی نقش سیاه را بازی می‌کردند اما در این دوره هم یک سری از صحنه‌ها رو حذف کردیم تا کار کوتاه‌تر شود هم این که جنس کمدی کار دیگر سیاه بازی نیست و مجلس زنانه در کار پررنگ‌تر شده است.

پیشینه فعالیت شما در زمینه نمایش‌های ایرانی چه بوده است؟

من حدود ۳۲ سال است که تئاتر کار می‌کنم و ۲۵ سال از آن را به فعالیت در زمینه نمایش سنتی و ایرانی پرداخته‌ام. من از شاگردان دکتر فتحعلی بیگی هستم و در کنار ایشان نمایش سنتی و ایرانی را آموختم. اما چند سالی است که صرفاً به کارگردانی نمایش‌های ایرانی می‌پردازم، علاوه بر این در زمینه نمایش کودک نیز فعالیت دارم و در این بخش نیز از تکنیک‌ها و عناصر نمایش ایرانی استفاده می‌کنم. ما برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نمایش «کلاغ بلا توپ طلا» را اجرا کردیم که در آن کاملاً از شیوه‌های ایرانی و تخت حوضی استفاده شده بود و در حال حاضر نیز روی یک پروژه نمایش کودک کار می‌کنم که آن نیز مجلس زنانه است و فکر می‌کنم که برای اولین بار است که در حوزه نمایش کودک از تکنیک‌های مجلس زنانه استفاده می‌شود.

در مورد مجلس زنانه و ویژگی‌های این نوع نمایش ایرانی برای ایمان بگویید.

در دوره‌ای که زنان اجازه این را نداشتند که روی صحنه بروند و قدرت بیان و رسانه‌ای نیز نداشتند که حرف و اعتراضشان را بگویند و حتی در خانه خودشان نیز نمی‌توانستند به همسر، پدر و برادر خود اعتراضی کنند، دور یکدیگر جمع می‌شدند و یک سری از خصلت‌های بد مردان، مثل چشم چرانی، چند همسری و... را تقبیح می‌کردند و با زبان موسیقی و طنز حرف خودشان را لااقل در یک گروه زنانه بیان و به نوعی خودشان را تخلیه می‌کردند و این اعتراض را می‌رساندند، این یکی از ویژگی‌های مجلس زنانه از نظر محتوا بود و از نظر فرم اجرایی نیز مردپوشی می‌کردند یعنی لباس مردانه پوشیده، گریم می‌کردند و ریش و سیبیل استفاده می‌شد و آن خصلت‌های بد مردان را تقبیح می‌کردند. این مجلس همراه با ساز و آواز موسیقی بود که کامل‌ترینش را نیز استاد انجوی شیرازی در کتابی به نام مجالس زنانه نوشته‌اند و ترانه‌ها، شعرها و داستان‌ها و مفاهیمی که کار می‌شد در آن آمده و قدمت دیرینه‌ای دارد. یک کتاب نیز استاد جواد انصافی در این رابطه نوشته‌اند ولی کتاب آقای انجوی شیرازی بسیار کامل‌تر است.

از بازی در بازی بسیار استفاده کرده‌اید از چرایی آن و اهمیتی که در این گونه نمایشی دارد بگویید.

بازی در بازی یکی از ویژگی‌های نمایش سنتی و تخت حوضی ایرانی است که تماشاگر می‌بیند شما در روی صحنه نقش عوض می‌کنید و یکی از ویژگی‌ها و اعجاز نمایش ایرانی همین است که خود من نیز اسیر این اعجاز شده و در این شکل نمایش ماندگار شدم. در این سبک نمایشی تماشاگر در طول نمایش می‌داند که دارد نمایش می‌بیند، کارگردان با تکنیک‌های مختلف و بازیگر با نوع بازی‌اش به مخاطب مدام یادآوری می‌کنند که او در حال دیدن یک نمایش است و با این حال باز هم مخاطب آن تپیبی که بازیگر می‌سازد و داستانی که برایش تعریف می‌شود را باور می‌کند و این یکی از ویژگی‌های مهم نمایش سنتی - ایرانی مخصوصاً تخت حوضی است. در این اثر نیز شما می‌بینید که جلوی چشم تماشاگر با یک شال بازیگرها شخصیت‌های مختلفی را ایفا می‌کنند. یکی از ویژگی‌های نمایش سنتی که در این کار نیز دیده می‌شود این است که از یک وسیله استفاده چندگانه شده و مفاهیم متفاوتی را روی صحنه ایجاد می‌کند. مثلاً بازیگر خانم در این نمایش از شال‌هایی که دارند استفاده‌های

آب را بر سرشان می‌گذارند و عناصر مدرن امروزی به دستشان می‌دهند و به نوعی دچار یک خودباختگی می‌شوند. ما ایرانیان از تکنولوژی مدرن استفاده می‌کنیم اما سبک زندگی و تفکرمان همچنان مدرن نشده است و هر چند که جدیدترین گوشی موبایل را داشته باشیم اما باز هم از آن استفاده سنتی می‌کنیم. ما همچنان در حال گذار به دنیای مدرنیته هستیم و فاصله زیادی داریم تا اینکه تفکر و سبک زندگی مان مدرن شود و تازمانی که سبک زندگی و تفکرمان به مدرنیته نرسد این سبک زندگی وارد هنرمان نخواهد شد. در آن صحنه می‌خواهیم بگوییم که این عناصر مدرنیته برای شستشوی مغزی است و اگر شما تفکر تان را تغییر ندهید یک رختشور باقی می‌مانید. رختشورهای داستان ما تفکرشان را آنگونه که می‌خواهند تغییر می‌دهند و به نوعی مسخ می‌شوند و مسخ‌گونه روی صحنه حرکت می‌کنند.

آیا اشعاری که در این نمایش استفاده شده از اشعار قدیمی بوده یا اینکه اشعار جدیدی سروده شده است؟

ما شعر ابتدایی نمایش را در دور اول اجرا نیز داشتیم و آقای فرهاد نقدعلی که در بازنویسی کار با من همکاری کردند این شعر را سروده بودند. اما در این اجرا آقای عبد آشنایی آهنگساز کار بودند و اشعار نمایش را که هم به مایه طنز دارد و هم با صحنه‌های نمایش همخوانی دارد سوزند همینطور موسیقی‌های نمایش به صورت اختصاصی برای همین کار ساخته شده و در دور اجرا قبلی ما این موسیقی‌ها را نداشتیم. شخصاً موسیقی کار را خیلی دوست دارم چرا که خیلی خوب روی کار نشسته است.

سخن پایانی

از تمام مخاطبان شما دعوت می‌کنم که تشریف بیاورند و نمایش ما را ببینند ما تا ۲۷ مهر اجرا داریم و امیدوارم که مخاطبان ما را حمایت کنند. دوست دارم به مخاطبان بگویم شما هستید که ما هستیم و اگر شما نباشید ما نیز وجود نخواهیم داشت چرا که تماشاگر یکی از ارکان اصلی تئاتر است.

متفاوتی می‌کنند. مثلاً در جایی آن را به دور گردن می‌اندازند و تبدیل به یک کاراکتر دیگری می‌شوند. در جایی همان شال را به عنوان یکی از رخت‌های چرکی که باید شسته شود مورد استفاده قرار می‌دهند و در جایی نیز به عنوان شمشیر بکار برده می‌شود و این استفاده‌های متفاوت و خلاقانه از آکسسوار صحنه یکی از ویژگی‌های نمایش سنتی است که در این نمایش هم می‌بینید. ما در ورژن پیشین نمایش مردپوشی هم داشتیم و یکی از بازیگران زن یک سیبیل مصنوعی به دست می‌گرفت و وارد صحنه می‌شد اما به خاطر اینکه می‌خواستیم مقداری از تایم کار کم کنیم مجبور به حذف این بخش‌ها شدیم.

یک سری از رفتارهای کمدی کاراکتر آغاسی همچنان ما را به یاد کاراکتر سیاه می‌اندازد آیا این تشابه بخشی از ویژگی‌های اشتراکی کمدی است؟

برخی از تکنیک‌ها در زمینه تکنیک کمدی و تکنیک سیاه بازی مشترک است. به جرات می‌توان گفت که تکنیک کمدی سعدی افشار با تکنیک کمدی که در حال حاضر مستر بین و یا در گذشته چارلی چاپلین کار می‌کرد، مشترک است. مثلاً تضاد در رفتار و گفتار که در حال حاضر نیز در دنیا از این تکنیک تضاد برای کمدی استفاده می‌شود چرا که تضاد کمدی می‌آورد. این تکنیک‌ها مختص کمدی است و اگر بخواهید کار کمدی انجام دهید با اجرای درست این تکنیک‌ها می‌توانید مخاطب را بخندانید. تکنیک‌ها بین المللی و جهانی بسیاری در این زمینه وجود دارد که کمدین‌ها از آن استفاده می‌کنند مثل تحامق یعنی شخصیت اصلی خودش را به نادانی و حماقت می‌زند مثل کاری که مستر بین می‌کند و یا در آثار چارلی چاپلین می‌بینیم که خودش را به نادانی می‌زند و کارهایی انجام می‌دهد که مخاطب فکر می‌کند حماق است به این تکنیک تحامق می‌گویند.

در پایان نمایش به جای آنکه رخت‌شورها را بکشند، می‌شویند. این شسته شدن برای شما نماد چه چیزی بود؟

به نوعی اشاره‌ای به شستشوی مغزی داده شدنشان است. کاسه‌های